



25 مارچ 2016



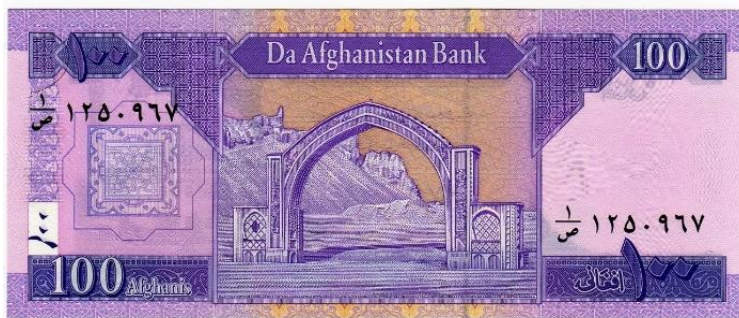
داکتر سید عبدالله کاظم

تاریخچه پول کاغذی در افغانستان

(قسمت سوم و آخر)

بانک‌نوت‌های جدید پس از ریفرم پولی:

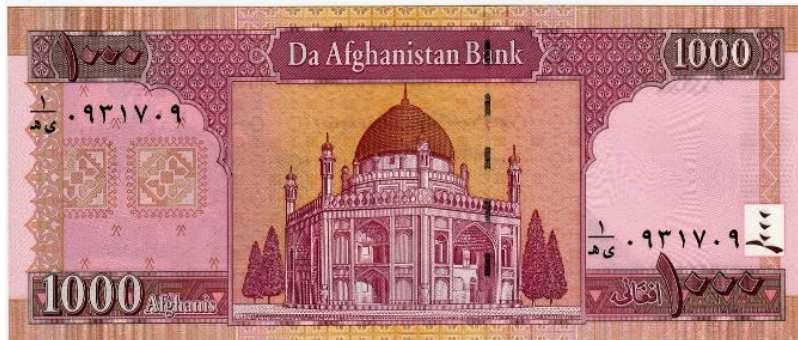
بعد از آنکه رژیم طالبان در اثر حمله امریکا و متحدین آن در ماه نوامبر 2001 سقوط کرد و حکومت جدید در راس آن حامد کرزی قرار گرفت، یکی از اقدامات مهم در همان آغاز بذل توجه به وضع بسیار وخیم نظام پولی کشور بود که ایجاب یک ریفرم جدی را میکرد. این ریفرم در دوره ریاست جمهوری کرزی به کمک بانک بین المللی صندوق جهانی و همچنان حمایت جامعه جهانی، بخصوص ایالات متحده امریکا رویدست گرفته شد که برطبق آن یک هزار افغانی سابق به یک افغانی جدید تغییرارزشی داد. البته نقطه آغاز این ریفرم نشتربانک‌نوت‌های جدید بود که جانشین بانک‌نوت‌های قبلی گردید و نوت‌های قبلی کاملاً از دوران داد و ستد بیرون کشیده شدند. دربانک‌نوت‌های جدید از درج عکس اشخاص بطور کل صرف نظر گردیده و تنها به جاگزینی یکی از آثار و بناهای تاریخی کشور اکتفا شده است. اینک یکی دو نمونه بانک‌نوت‌های جدید تقدیم میگردد:



د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ



(نمونه بانکنوتهای جدید - صد و هزار افغانیگی)

چگونگی چاپ بانکنوتهای:

جای تعجب خواهد بود که اولین نوتهای کاغذی در دوره امانی در ضرابخانه کابل و مطبعه صکوک آنجا به چاپ رسید. اینکه کاغذ و مواد طباعتی آن از کجا می آمد و از کدام رنگها استفاده میشد، معلومات دقیق در دست نیست. ضرابخانه کابل در محوطه ارگ، عقب وزارت خارجه قرار داشت، جائیکه یک زمان دفتر روزنامه انیس و اصلاح و مطبعه عمومی واقع بود. یقین دارم هنوز هم بعضی از ما ها با نام صوفی عبدالحمید خان رئیس ضرابخانه آشنا هستند و شاهد صداقت، اهلیت و امانت داری آن مرحوم میباشند.

روایت است روزی امیر حبیب الله کلکانی، هنگامیکه میخواست نوتهای دوره امانی را به دوران اندازد، عبدالحمید خان رئیس ضرابخانه را بحضور خود احضار کرد و از او پرسید: این نوتها را تو چاپ میکنی؟ او گفت: بلی!، امیر گفت: حتماً از آنها در خانه زیاد داری؟ رئیس ضرابخانه جواب داد: امیرصاحب! نوتها در ضرابخانه چاپ میشوند، نه درخانه، مردم به همین فکر در این وقتها تاحال چند بار خود را در خانه من انداخته اند، ولی چیزی نیافته اند. امیر گفت: امر میکنم در نوتها چندین مهر بزنند تا هرکس نتواند کاغذ های خود را در چلند اندازند.

امیر موصوف با آنکه یک شخص اُمی و بیسواد بود، میدانست که اداره پول تا چه حد برای حکومت اهمیت دارد و باید سخت زیر مراقبت و کنترل باشد، ولی متأسفانه که در سالهای 80 و 90 قرن بیست یعنی دوره حکومت خلقی و پرچمی و بعد از آن حکومت تنظیمی و طالبی با پول ملی که ملکیت عامه و جز هویت و حیثیت ملت است، چنان بیرحمانه برخورد صورت گرفت که با نشر بیحد و اندازه

د پانو شمیره: له 2 تر6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

آن ارزش پول افغانی در برابر اسعار خارجی بطور سرسام آور نزول کرد که حتی حیثیت یک کاغذ عادی را بخود گرفت. برعکس آنچه که در دوره جمهوری شهید داؤد خان نرخ تبادلۀ یک دالر امریکائی به 38 افغانی به اوج ارزش تبادلی خود در برابر اسعار خارجی رسیده بود، پس از آن در نتیجۀ کودتای ثور ارزش افغانی در برابر دالر امریکائی به سرعت روبه کاهش گذاشت، چنانکه در دوره داکترنجیب یک دالر به 1000 افغانی و در دوره استاد ربانی یک دالر به 5000 هزار افغانی و در دوره طالبان یک دالر به 50 تا 90 هزار افغانی تبادلۀ میگردید. برطبق ارقام رسمی در ماه می 1999 یک دالر در کابل به 42675 افغانی و در عین وقت در مزار شریف یک دالر به 94250 افغانی تبادلۀ می شد.

در این ارتباط باید تصریح کرد که وقتی روابط جنرال عبدالرشید دوستم با حکومت استاد ربانی برهم خورد و دوستم در "شورای هماهنگی" شامل گردید، استاد ربانی ارسال پول را از کابل برایش قطع کرد و دوستم با روابطی خاصی که با مراجع روسی داشت، مطبوعه چاپ پول در مسکو (معلوم نیست تحت کدام شرایط) موافقه کرد تا برای دوستم نوتهای ده هزار افغانی را به عین شکل و اما به سلسله شماره های متفاوت چاپ کند و آنرا در اختیار دوستم قرار دهد. این نوتها که در شمال افغانستان به دوران افتاد، به نوتهای دوستم مسمما گردید و به دلیل وفرت مقدار پول در دوران در شمال، ارزش تبادلی پول افغانی در آنجا به یک دالر تا 90 هزار افغانی سقوط کرد.

بهرحال طوریکه در بالا گفته شد، نوتهای خزانه در سال 1314 (1935) در سویس به شکل آفست چاپ میگردید، اما وقتیکه اولین بانک بنام "شرکت سهامی افغان" که اساساً ماهیت تجارتي داشت، ولی برای بار اول امور بانکی را نیز بعهده گرفت و با سرمایه مشترک خصوصی و دولتی در سال 1311 (1931) به تشبث عبدالمجید خان زابلی در کشورتأسیس شد و در سال 1314 به "بانک ملی افغان" تغییر نام داد، هیأتی را به منظور چاپ بانکنوت در سال 1319 (چندی قبل از شروع جنگ جهانی دوم) به اروپا اعزام کرد. هیئت نخست موافقه نمود تا نوتهای جدید افغانی در جرمنی چاپ شوند، اما آغاز جنگ در آن وقت مانع اینکار شد و اما چون ادامه چاپ نوتها در سویس از یکطرف وقت بیشتر را دربر میگرفت و ازطرف دیگر با مصارف زیادتر توأم بود، از آنرو بعد از یک بررسی طولانی در مدت یک سال با یک کمپنی انگلیسی در لندن قرارداد چاپ بانکنوتها عقد گردید. از آن تاریخ تا اوایل کودتای ثور 1357 نوتهای افغانی متواتر در لندن چاپ می شدند.

مرحوم حبیب الله اچکزی رئیس سابق دافغانستان بانک ضمن یک صحبت شخصی که در سالهای اخیر عمرش در شهر فریمان - کالیفورنیا با این نگارنده انجام داد، در برابر این سؤال که چگونه مصئونیت پول هنگام چاپ عملی میشد، گفت: اینکار زیر نظر یک هیئت مختلط از نمایندگان حکومت افغانستان، حکومت انگلستان و کمپنی چاپ بانکنوتها صورت میگرفت، طوریکه کلیشه بانکنوتها را در یک صندوق مخصوص با مهر و لاک هر سه هیئت در مرکز رسمی نگهداری میکردند و حینیکه چاپ نوت هر بار رویدست گرفته میشد، صندوق در حضور هیئت باز میگردد و کلیشه ها زیر چاپ میرفت. درطول مدت چاپ، هیئت از جریان چاپ مستقیماً نظارت میکرد و بعد کلیشه ها دوباره مهر و لاک شده به مرجع مخصوص انتقال می یافتند. موصوف افزود: این روش در طول سالهای مدید بطور مؤثر کار داد و در این مدت کوچکترین مشکل در زمینه به وجود نیامد. تنها در سالهای اخیر سلطنت یکی دوبار نوتهای تقلبی در بازار دیده شد که روی انگیزه های سیاسی از طریق پاکستان داخل کشور گردیده

بود. (دیده شود: کاظم، سید عبدالله: "افغانستان بسوی انفلاسیون سرسام آور"، چاپ کالیفورنیا، فیروزی 1995، صفحه 11 تا 14)

معضله اساسی بعد از کودتای ثور وقتی آغاز شد که رژیم خلقی - پرچمی چاپ بانکوت‌های جدید را به شوروی سابق تفویض نمود که نوتها در آنجا توسط یک کمپنی آلمان شرقی چاپ میشد. نظارت واقعی در امور چاپ بانکوت‌های افغانی چه در آنوقت و چه در زمان حکومت تنظیمی و طالبان در مسکو عملاً بدست مقامات شوروی آنوقت و بعداً روسیه قرار داشت. واضح است که آنها درکار چاپ بانکوت‌های افغان دست آزاد داشتند و از اینطریق در جائیکه جنگ و اسلحه مؤثریت لازم نداشت، آنها از این راه و وسیله استفاده‌های ناجایز کردند که شرح آن در این مختصر نمی‌گنجد.

اینکه چرا بعد از سقوط نجیب و بقدرت رسیدن حکومت تنظیمی باز هم چاپ نوتها مثل سابق به همان شیوه، شکل و دیزاین دوره خلقی - پرچمی در مسکو صورت می‌گرفت و چرا حکومت تنظیمی تغییری در آن وارد نکرد، دلیلش واضح است که حکومت استاد ربانی و همچنان بعداً طالبان در نظر داشتند تا برای اختفای چاپ بسیار وافر نوت‌های جدید، چنین جلوه دهند که گویا پول در دوران، همان پول‌های دوره قبلی است که به نشر رسیده است. آنها بدینوسیله میخواستند مسئولیت سقوط فاحش ارزش پول افغانی را از شان‌های خود دور سازند، درحالیکه شواهد زیاد وجود دارد که هر هفته به کانتینرها پول جدید از مسکو به حکومت کابل تسلیم داده میشد و حکومت آنرا به مصارف جنگی خود و هم رزمان خود می‌رسانید.

در اینجا قابل یادآوریست که برطبق موافقتنامه مشهور "اسلام آباد" که بین هشت رهبر جهادی بتاريخ 7 مارچ 1993 در اسلام آباد - پاکستان زیر نظارت عربستان سعودی و هدایت نواز شریف به امضا رسید و حکومت تنظیمی در کابل برطبق آن تشکیل گردید، در ماده 7 آن راجع به اداره امور پولی کشور چنین آمده است: «یک کمیته مرکب از تمام احزاب بمنظور نظارت برسیستم وجهی و مقررات پولی تشکیل شود تا این سیستم و مقررات مطابق به قوانین و مقررات بانکی موجود افغانی نگهداشته شود». ققره "ل" ماده ششم ضمیمه این موافقتنامه که صلاحیت‌های رئیس جمهور را مشخص می‌ساخت، در مورد اداره پولی و صلاحیت اجازه نشر پول یعنی «صدور اجازه رسمی برای چاپ بانک نوتها» تنها به صلاحیت رئیس جمهور منحصر شده بود. به این اساس شخص استاد ربانی به حیث رئیس جمهور آنوقت مسئولیت مستقیم بحران بزرگ پولی کشور را شخصاً بدوش داشته است که در اثر این بی‌مبالاتی و عدول از اصول اساسی نشر پول، صدمه کلی به حیثیت و اعتبار پول افغانی در داخل و خارج کشور وارد آمد.

اگر این موضوع از نظر قانونی تعقیب گردد، شدت این عمل جرمی تا حدی بالا میرود که با در نظر داشت مواد 302 و 303 فصل دهم "قانون جزاء" (سال 1355) در مورد "جعل پول مروجه"، برطبق ماده 304 آن کسیکه «ارزش پول افغانستان یا اسناد دولتی را تنزیل نماید و یا اعتماد بازارهای داخلی و یا خارجی به اثر آن متزلزل گردد، محکمه میتواند مرتکب را حبس دوام محکوم نماید». البته باید تصریح کرد که عدم رعایت اصول و مقررات بانکی در مورد نشر بانکوت از طرف رئیس جمهور وقت و نیز ادامه آن به وسیله طالبان موجب سقوط فاحش ارزش پول افغانی در داخل و خارج کشور گردید و زیان آن به حیث یک زیان جدی ملی قابل تأمل و دقت میباشد. ولو که اکنون استاد ربانی دیگر در بین ما نیست، ولی این جرم بجای خود باقی مانده و درسینه تاریخ باید ثبت گردد. علاوه جنرال دوستم نیز جویبگوی جرمی باشد که در آنوقت به ارتباط چاپ غیرقانونی پول افغانی مرتکب شده است. (اگر

د پانوی شمیره: له 4 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

فرصت دست داد، راجع به سقوط سرسام آور ارزش پول افغانی در دوره حکومت تنظیمی و طالبان که به یک افتضاح ملی مبدل گردید، در یک مقاله دیگر انشاءالله بحث خواهم کرد و نیز در نظر دارم بزودی متن کامل موافقتنامه "اسلام آباد" را با جزئیات ضمایم آن به حیث یک سند مهم و تاریخی جهت معلومات علاقمندان در این پورتال به نشر برسانم.

شرح یک رویداد واقعی - جدال بین عنعنه و تجدد!

داکتر اسدالله شعور که یکی از محققان پرکار امور تاریخ فولکلورکشور میباشد، نوشته ای دارد تحت عنوان "آخرین محفل رضائی دربار" - منتشره هفته نامه امید - که جریان یک رویداد واقعی را در ارتباط با موضوع نشر عکس پادشاه در بانکوت بیان میکند. شرح این رویداد تاریخی که اینجانب نیز آنرا از چند زبان شنیده است، به ارتباط موضوع بحث ما، خالی از دلچسپی نخواهد بود. اینک قسمت هایی از نوشته داکتر شعور:

«در سال 1318 خزانة شاهی برآن شد تا تصویر شاه [علیحضرت محمد ظاهر شاه] را نیز روی نوتهای مروج کشور بیاورد، از اینرو سلسله نوتهای جدید را که در لندن به چاپ رسیده بود، سر از 26 دلو همان سال به دوران انداخت. ولی عکس العمل روحانیون در برابر آن منفی بود، زیرا ملاها در مساجد تبلیغ میکردند که نگهداشتن تصویر انسان در جیب، علامت بت پرستی بوده و با موجودیت این نوتهای حاوی عکس در هنگام نماز، عبادت عابد بدرگاه خداوند مقبول نمی افتد و این تبلیغ باعث گردید تا بازاریان و عامه مردم از قبول نوتهای جدید ابا ورزند و این امر برای دولت آنروز مشکلات فراوانی ببار آورد.»

«محمد هاشم خان صدراعظم که مرد مستبد و درعین زمان انسان مدبری بود، در صدد چاره برآمد. چون ماه رمضان نزدیک بود، او در صدد تشکیل محفل رمضانیه گردید و از تمام ملاهای بزرگ سرشناس کشور... دعوت کرد تا در این محفل که از طرف شاه برگزار گردیده است، به مصرف دولت شرکت کنند.»

«به روز پانزدهم رمضان سال 1318 شمسی تمام ملا امامان مساجد، مدرسان مدرسه های دینی و روحانیون مرکز و ولایات کشور در دعوت افطاریه شاه در تالار سلامخانه ارگ حضور بهم رسانیده با شخص ظاهر شاه و اراکین بزرگ دولت از نزدیک دیدار کردند.»

«در این محفل که سخرانی ها ایراد و اشعار رمضانیه خوانده شد، نیم ساعت قبل از نماز خفتن و ادای تراویح، هاشم خان صدراعظم اعلام نمود که پادشاه بخاطر تفقد و احترامی که به علمای دینی دارند، امر فرموده اند که به هر یک از حاضرین مجلس مبلغ پنجصد افغانی از خزانة دولت طور بخشش اعطا گردد. چون اهل مجلس پنجصد افغانی از نوتهای کاغذی کاملاً جدید را که در آنروزگار مبلغ هنگفتی بود، با ولع و اشتیاق تمام به جیب بردند، هاشم خان به مؤذن مسجد ارگ اشاره کرد که آذان گوید.»

«بعد از ختم نماز، همینکه امام جماعت که به احتمال قوی یکی از علمای مشهور دینی از خانواده حضرات مجددی و وزیر عدلیه بود، میخواست دست به دعا بلند کند، محمد شاه خان رئیس ضبط احوالات به پا خاسته، اجازه خواست تا قبل از دعا عرایضش را تقدیم علمای کرام کند، چون اجازت یافت، سررشته سخن را بدست گرفت و گفت: "بشما علمای کرام معلوم است که تمدن امروزی ایجابات خاصی دارد، کشور ما باید پا به پای تمدن جهانی پیش برود. یکی از مظاهر مدنیت امروزی، پول کاغذی است که بخاطر سهولت در نگهداری و انتقال و آسانی در داد و ستد روزمره در سراسر دنیا عام شده و طبعاً در کشور ما نیز از سالیانی است که رایج گشته و همه گان بر فواید آن آگاهییم. چون

د پانوی شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

پول هر کشور باید مشخص کننده دین و آیین و تمدن و فرهنگ مملکت خود باشد و ما برای اینکه ثابت سازیم که افغانی پول رایج یک کشور اسلامی است، در آن عکس های از انبیه که استقلال و اسلامیت ما را به ثبوت میرساند و همچنین عکس پادشاه جوان اسلام اعلیحضرت المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه را سند آورده ایم. اما دشمنان دین و وطن اسلامی ما تبلیغ میکنند که گویا با داشتن نوت در جیب، نماز کسی مقبولیت درگاه رب العزت را نمی یابد. چون در این مجلس علمای کرام سرتاسر کشور از برکت لطف پادشاه اسلام در کنار هم قرار دارند، چی میشود که قبل از دعای نماز در این مورد که آیا این ادعای دشمنان ما صحت دارد یا اینکه تبلیغ محض و مضرانه میباشد، نظر شما روحانیون متبرک را جویا گردیم."»

«پس از آنکه رئیس ضبط احوالات گفتار خود را ختم کرد، محمدهاشم خان صدراعظم شخصاً به پا برخاست و رو به اهل مجلس نمود و پرسید: "آیا نماز ما همه که یک یک بندل این نوتها را در جیب داشتیم، قبول شده و یا اینکه نماز امشب را از سر بگیریم؟" حاضرین که منظور اصلی صدراعظم را ملتفت گردیده بودند، چاره ای نداشتند، جز آنکه بگویند که: "نماز قبول شده ست!" ، زیرا یکطرف خوف از دیکتاتور شماره یک کشور و از سوی دیگر ترس از دست دادن این مبلغ هنگفت، همه را به تردید موضوع واداشت. چون صدراعظم چنین دید، گفت: "بهتر است شما علمای بزرگوار که در حمایت از دولت اسلامی تان قرار دارید، ذهن مردم عوام را که از علم بهره کمتر دارند، روشن ساخته فتوایی در زمینه صادر کنید تا دشمنان بیش از این باعث گمراهی مردم ما نگردند". سپس به اشاره او رئیس جمعیت العلماء متن فتوای از پیش ترتیب داده شده را حاضر مجلس ساخته از همه گان مهر و امضاء گرفتند و سراز فردای آن روز کسی علیه پول کاغذی که عکس در آن نصب بود تبلیغ نمیکرد."» (شعور، اسدالله: "آخرین محفل رمضانی دربار"، منتشره شماره 401 هفته نامه امید، مورخ 27 دسمبر 1999)

باید علاوه کرد که در بین این علما اکثر کسانی بودند که در دوره امانی با همچو اقدامات دولت مخالفت کرده و مردم را علیه حکومت به قیام تحریک می نمودند، درحالیکه در برابر سردار محمد هاشم خان نتوانستند حرفی در مخالفت با اقدام رژیم به زبان آورند. در اینجا تنها نشر عکس پادشاه مهم نبود و نیست، بلکه شکستادن به اصطلاح یک "تابو" است که میتوانست راه را برای اقدامات بعدی باز کند. چنانکه همه شاهد هستیم، در دوره ظلمت طالبان بار دیگر رکود فکری آنها موجب شد تا هر آنچه مربوط به تصاویر و عکس "زنده جان" بود، همه را غیرشرعی پنداشته و تا جائیکه بدست شان رسید، همه را از بین بردند. لذا به گفته قدما این حکایت به ما تعلیم میدهد که: قدم گذاشتن بسوی تمدن در یک جامعه سخت عنعنوی، مستلزم جرأت توأم با وارد کردن یک اندازه فشار و اعمال قدرت است، در غیر آن قوتهای محافظه کارمی توانند جامعه را با رکود مواجه سازند و از رسیدن به کاروان مدنیت عصر باز دارند. (ختم مقاله)

قابل توجه: از آنجائیکه کاپی نوتهای مندرج این مقاله از کلکسیون بانکنوتهای افغانی جناب محترم محمد طارق مهداوی - البته پس از کسب اجازه از ایشان گرفته شده است، لذا حق نشر آن منحصر به نویسنده این مقاله بوده و کسانی که آنرا کاپی و یا مجدد به نشر میرسانند، باید به ذکر این مأخذ و منبع اصلی مأخذ آن بپردازند. قابل یادآوریست که اندازه نمونه بانکنوتهای مندرج این مقاله از اندازه اصلی نوتها فرق دارد و اکثر به اندازه کوچکتر از اصل چاپ شده اند.